

عنوان مقاله: تشكل های صنعتی و اخلاق کاری در ایران

نویسنده: ابراهیم فیوضات

منبع: پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۱

شماره ۳۵ صص ۲۱-۳۱

چکیده:

- شکل های صنعتی کنونی غرب از درون صف های پیشه وری سربرآورند. در حالی که در ایران این شکل ها با گذشته خود از گست تاریخی - فرهنگی و زبانی متفوتوی گفت و گو دارند. اصناف گذشته ایران، با خود ویژگی ها و اخلاق کاری را به همراه داشتند: فتون جوانمردی یکی از این ویژگی ها برد، تشکل های صنفی با جامعه آن روز نیز همخوانی داشت.

چکیده

- انقلاب صنعت و ورود ماشین به ایران، چون ریشه در گذشته این سرزمین نداشت در جامعه تجارت پیشہ وارد شده بود، نتوانست نظم و اخلاق سنتی را به همراه آورد و علاوه بر آن، نتوانست نظم و خصوصیات صنعت نوین کنونی جهان و تشکل های متناسب آن را به خود جذب کند، ناهمخوانی ساخت های گوناگون در چنین جامعه ای، از بیگانگی اجتماعی و هرج و مر ج (انواعی) مربوط به آن حکایت دارد. به منظور رفع این هرج و مر ج فکری، ایجاد تشکل های مدنی و اخلاق کاری جدید ضرورت پیدا می کند.

دفع این هرج و مر ج
فکری

نظم و اخلاق
سنتی

تشکل های متناسب

واژگان کلیدی:

- شکل های صنعتی، اخلاق کاری، کار، صنف، ایران، صنعت



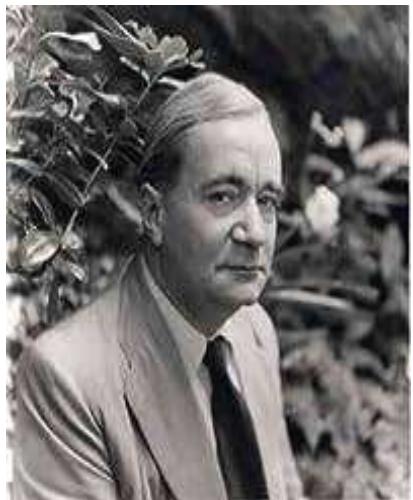
مقدمه

- به رغم ساختار نظام خودکامه در ایران، صنف‌های پیشه وری نیرو و حیات خویش را از نظام آموزشی «استاد- شاگردی» تامین و از مقررات «ستی- عاطفی» خاصی پیروی می‌کردند. نظم ستی، با رشتہ ای از نیایش‌ها، رسم‌ها و جشن‌ها توأم و به شکل عادت‌های روزانه مردم درآمده بود. این عادت‌ها بیش از مقررات رسمی در استحکام صنف و وحدت درون جامعه نقش داشت و در محیط کار و حرفه با اهمیت تلقی می‌شد.

عادت‌های روزانه مردم

استحکام صنف و
وحدت درون
جامعه

سوابق تاریخی:



هانری کربن

- یکی از آینهایی که در کارگاه‌ها به کار گرفته می‌شد، «فتوت» بود که یادگار کهن نظام صنفی بود و از آن به مثابه نماد، ایثار، دوری از مردم آزاری، رها کردن جاه و مقام، مجاهده با نفس و چشم پوشی از لغزش‌های دیگران یاد می‌شد. پیمان برادری، عضویت در صنف، ورود به جرگه جوانمردی و عیاری، سلسله مراتب پنهانی و رسمی همگی به نظر هانری کربن، دانشمند ایران شناس فرانسوی، متأثر از فرایند‌های فکری گذشته ایران بود. (کربن، ص ۲۱۲ و ۵۹۰)

- ١- پیمان برادری،
- ٢- عضویت در صنف،
- ٣- ورود به جرگه جوانمردی و عیاری،
- ٤- سلسله مراتب پنهانی و رسمی

• پهلوانی و عیاری - هر دو - در تمدن اسلامی منشا واحدی داشتند (کربن، ص ۶) دلیری و پارسايی، مهرورزیدن، بر سر قول ایستادن، شکیبا بودن و شب بیداری و مردمان را پاسداری کردن از **ویژگی های مشترک پهلوانی و عیاری** بودند. این افراد اغلب متعلق به قشر تولید کننده شهری بودند و با نام خود نام صنف خویش را یدک می کشیدند. شاید بتوان گفت که فتوت یا جوانمردی، نهضتی متعلق به اصناف و پیشه وران شهری بود که روستاییان و اشراف - بر عکس شوالیه گری اروپایی - در آن اندک بودند (کربن، ص ۱۹۴) در هشترها به علت کمبود مواد اولیه و یا تحمیل مالیات ها و بیکاری روز افزون، کارگاه ها به تعطیلی تهدید می شد. بنابراین کشاورزان و کارگران شهرها به راهزنی و عیاری و توزیع مال بین مستمندان سوق پید می کردند.

- در سده سوم هجری، تعداد جوانمردان رو به فزونی گذارد. انان از میان خود فرماندهی با عنوان سرهنگ انتخاب می کردند- مانند یعقوب لیث صفار یا اسماعیل ساربان (کربن، ص ۱۲۸)
- در تاریخ اجتماعی ایران، سر جنبان محله ها و کخدایان صنف ها - که جوانی را در ورزش و پهلوانی زورخانه گذرانده و حیثیتی کسب کرده بودند- در شرایطی سخت حفظ نظم را بر عهده داشتند (کربن، ص ۱۸۴) دولت، به این گروه ها در برقراری نظم، به ویژه در لحظات خاص مرگ شاه، محتاج بود.

- تهاجم مغول، به گستالتاریخی و فرهنگی همه جانبه‌ای منجر شد. تشکل‌های پیش‌ورزی مانند همه نهادهای دیگر به شدت لطمه دیدند اما مغولان گروهی از صنعتگران را جمع آوری و برخی را برای ادامه کار و پیشه راهی مغولستان کردند (اقبال آشتیانی، ص ۵۵۷)

گستالتاریخی و فرهنگی

7

- از نیمه سده هفتم هجری به بعد، تشکیلات رسمی عیاران و جوانمردان، به جای بعد سیاسی بع بعد اخلاقی اجتماعی فتوت توجه کرد و اکثریت جوانمردان، عیاران و جنگ اوران را هنرمندان، صنعتگران و پیشه وران بخش صنعت تشکیل می دادند (کربن، ص ۱۸۴)
- در عصر صفوی روابط ایران و اروپا رو به توسعه گذارد و صنایع پیشه وری از رونق زیادی برخوردار شد. **قالیبافی نقطه اوج صنعت نساجی به شمار آمد** گفته می شود که بازار اصفهان حدود ۲۵ هزار کارگر بافنده داشت و رئیس صنف نساجان یکی از قدرتمندان افراد جامعه محسوب می شد و حتی حاکم شهر از وی حساب می برد (سیبوری، ص ۱۴۲)

• در دوران سرنوشت ساز قاجار، صنایع پیشه وری در شرایط دشواری به سریم برداشت و تشكیل ه به علت خودکامگی های ایلی و بیکارگری سخت در فشار بودند. ساختار قبیله ای ایل، جهالت و نادانی سران رژیم، ضعف سواد و فرهنگ عمومی و اعمال فشار بر صاحبان حرف شرایطی نبود که باعث تغییرات صنعتی شود و یا به تجمع سرمایه از انباشت آن منجر شود و نظام ایلی را به صنعت ماشینی برساند.

- ۱- ساختار قبیله ای ایل،
- ۲- جهالت و نادانی سران رژیم،
- ۳- ضعف سواد و فرهنگ عمومی
- ۴- اعمال فشار بر صاحبان



• در این دوره با ظهور صنعت ماشینی انتظار می‌رفت که تسلیحات صنعتی گذشته ایران با آرایشی نوین برپا شوند. نظم خاص خود را کسب کنند، و راه انتقال تجربه و میراث فرهنگی گذشته به آینده را هموار سازند. اما این انتظار به واقعیت نپیوست. صنعت ابریشم آن روز، به علت بیماری کرم ابریشم افول کرد و تجربه ملی ما در شهرها به کلی صدمه دید. **در اوایل سده بیستم، نفت جای ابریشم را گرفت**. این صنعت تجربه جهانی را با خود داشت و از صنعتگر و تجربه بومی بی بهره بود. صنایع جدید ماشینی درونزا نبودند و بیشتر با صنایع و منافع صاحبان صنایع بزرگ پیوند داشتند. در نتیجه به مثابه **رقیب و تکنولوژی نو و برتر** در مقابل صنایع پیشروی و صاحبان آنها (استاد کاران) ظاهر شد و به زور آزمایی و رقابت برخاست.



• یادآوری این نکته ضروری است که سرمایه تجاری و ریاپی در ایران نیز فعال بود و به سرمایه صنعتی - که به ثبات و خلاقیت ابتكار نیاز داشت، امکان توسعه و رشد نداد (فیوضات، توسعه صنعتی و موافع آن در ایران، فصل ششم) این وضع در اروپا متفاوت بود آن جا با وقوع انقلاب صنعتی در انگلستان، دولت های اروپایی در صدد دفاع از منافع ملی خود برآمدند و مرزها را بر روی کالاهی ساخت آن کشور بستند و تفرقه گمرکی را جدی گرفتند.

- ۱- ثبات
- ۲- خلاقیت

- حمایت از تولیدات و صنایع بومی با بستن مالیات بر کالاهای انگلیسی به راهبردی صنعتی بدل شود. رقابت ملی برای صنعتی شدن، توان صنایع بومی را افزایش داد. در نتیجه کشورهای اروپایی، حداکثر پنج دهه پس از انگلستان، به تحولی اساسی در صنعت دست یافتند (Pada, 1979) و نیروی کار صنعتی آن‌ها به وسیله صنایع کارگاهی و کشاورزی تامین شد. این فرایند احساس مسئولیت کاری را به شدت بالا برد.

- ۱- صنایع کارگاهی
- ۲- کشاورزی



سatarخان

• در ایران حاکمیت ایلی با انقلاب مشروطه از هم پاشید. این انقلاب، فریاد گذر از نظامی آسیایی به نظامی پارلمانی بود - که یکی از رهاوردهای آن، تکیه بر حقوق فردی به شمار می آمد (خلیلی خوف ص ۸۸) با این که از عصر عیاری سده ها گذشته بود، کسانی نظیر ستارخان و باقرخان پیدا شدند که - هر چند کوتاه مدت - به رسم عیاران گذشته از مستمندان جامعه حمایت کردند و راهگشای کار مردم شدند.

• افول قاجار و ظهور پهلوی، با نوعی صنعتی شدن دولتی (حدود ۲۹۵ واحد در ۲۲ رشته صنعتی) همراه بود. واحد های صنعتی (صرفی) در زمینه نساجی، قند، کبریت سیمان و ... با اتکا به نفت و الهام از مدرنیزاسیونی که زمینه آن در **عصر مشروطیت** فراگیر بود و با جذر و مدهای صنعت جدید به تدریج شکل گرفت. اعتراض ها و اعتصاب های کارگری، چه با انگیزه درونی و چه متأثر از جنبش های بیرونی (به ویژه تحولات اجتماعی شوروی) از کنش و واکنش عصر جدید خبر می داد.

جذر و مدهای صنعت
جدید

کنش و
واکنش عصر
جدید

• استادان و صاحبان صنایع کارگاهی مجبور شدند پیش از استحاله در صنعت ماشینی جایی برای خویش دست و پا کنند. اما پیش از آن که در صنعت جدید اهلیت یابند این روند آن را از صنایع سنتی دور ساخت. در نتیجه انتقال تجربه صنایع پیشروی به صنعت جدید غیر مقدور جلوه گر شد و به شکل حلقه مفقوده بر جای ماند. هر چه صنعت در ایران به جلو حرکت کرد، شکاف میان صنایع سنتی و صنایع صنعتی جدید عمیق تر و انتقال تجربه از گذشته به حال ناممکن تر شد کلیه زمینه های زندگی مادی و غیر مادی دچار از هم گسیختگی شده، این تصور به وجود امد که هر چیزی را باید از صفر آغاز کرد و هر موضوع تجربی را باید دوباره و چندباره طرح کرد. این روند نومیدی و یاس را در پی داشت و بی اعتمادی را در سطح وسیع تری پسترده و **اخلاق عمومی** را خدشه دار ساخت (فیوضات، ص ۱۶-۲۲)



• در دوره بحث، کشور روسیه همسایه شمالی ایران، وارد مرحله پر تحولی از تاریخش شد. خانواده رومانف‌ها، پس از سده حکومت با انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ واژگون شدند و حکومتی کارگری در این کشور برقرار شد. پیدایش نظام جدید در روسیه، آثاری جدی بر ایران داشت. فرایند مذکور و اندیشه قالبی – که از سوی حکومت شوراهای و سازمان‌های چپ در ایران تبلیغ می‌شد – هرگونه تجمع صنفی (از قبیل اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های روشنفکری) را مخدوش کرد.

• شوراهای اتحادیه های کاری و فکری، به جای رسیدگی به مسائل کاری، حرفه ای و فنی و نارسایی های شغلی و حل معضل اجتماعی و مادی کارکنان به سیاسی کاری سوق داده می شدند. آگاهی افراد در مورد حق و حقوق روزانه، نارسا و ناقص بود و سیاسی کاری مردم را از درک واقعیت ها دور می داشت منطقی کردن فضای کار، کشیدن حصار به دور مکان های خطر آ، رین کارخانه، رنگ آمیزی مناسب برای چشم، روشنایی لازم و استفاده از نور کافی نیازمند تأمل و عمل و تجربه صنعتی بود.

- ۱- مسائل کاری، حرفه ای و فنی
- ۲- نارسایی های شغلی
- ۳- حل معضل اجتماعی و مادی کارکنان

- رقابت صحیح در محیط کار و تلاش در جهت آشنایی کارکنان با فن آوری جدید بازده کار را بالا می برد. استفاده صحیح از اوقات فراغت، استفاده به موقع از تعطیلات، منطقی کردن مسافرت های کوتاه مدت کوتاه مدت کاری و آموزشی، همه و همه می توانستند از طریق تشکل ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند.

- ۱- رقابت صحیح در محیط کار
- ۲- تلاش در جهت آشنایی کارکنان با فن آوری جدید

• اما فکر قالبی، آنچنان در میان دست اندک کاران تجربه و فکر رواج داشت که امکان زدودن آن و به وجود آوردن تشکلی مستقل و مناسب با نیازمندی های درونی، نظیر آن چه در دوران گذشته پیشه وری سابقه داشت، ناممکن بود. تشکل ها نهادینه نشد و دنبال روی و رونوشت برداری در عصر تحولات و اکتشافات، جامعه ایرانی و مردم را به خنثی شدن و بی تفاوتی سوق داد.

خنثی شدن و بی تفاوتی

تشکلی مستقل و مناسب با
نیازمندی های درونی

در حالی که کارگران ژاپنی نزدیک به یک سده با مسائل صنفی دست و پنجه نرم کرده اندف اتحادیه را با حزب و مسائل صنفی را با مسائل سیاسی در نیامخته اند، و با آمدن و رفتن کابینه ها صنف پابرجا مانده و به **نهادی اجتماعی، ضروری، مستمر، زنده و پویا** تبدیل شده است.



در ایران، شوراهای کارگری و انجمن‌های روشنفکری جای حزب سیاسی را گرفته بودند و مسائل صنفی و سیاسی یکی شده بود. یکی شدن مسائل صنفی و سیاسی لطمه بزرگی به کار صنف و نیز به کار سیاسی زده بود. همچنین اخلاق کاری را خراب و دورویی و ریا و فساد را وارد کار صنف و کار سیاست کرده، کار تشکیل شورای صنفی را ناممکن ساخته بود. در نتیجه جنبه‌های مثبت فتوت - که مبنی بر صداقت، درستی، جوانمردی و صفات ممتاز انسانی بود و رف و عمل را به هم نزدیک می‌کرد - به تدریج در سایه قرار گرفت و سابقه سده‌ها تلاش صنف‌های پیشه‌وری در دوران گذشته - نظیر اخوان الصفا، اسماعلیه و سایر جنبش‌های اجتماعی - به تاریخ سپرده و به مثابه پشتونه‌ای تجربی کاملاً فراموش شد. (سعید الشیخی، ص ۳۵-۳۳)

صداقت، درستی، جوانمردی و
صفات ممتاز انسانی

- دوران پر رونق صنف‌های پیش‌های وری، علاوه بر سده چهارم و پنجم، در عصر صفوی و در پایان قاجار (عصر بیداری) و به ویژه در زمان انقلاب مشروطیت و ظهور پهلوی چشمگیر بود.
- شهریور ۱۳۲۰ نقطه عطفی در تاریخ ایران بود. رضاشاه - که باعث نزدیکی ایران با آلمان فاشیست بود - از سوی متفقین از حکومت خلع و تبعید شد و صنایع و مدیریت دچار تغییر شد. پس از آن، تشكل‌های کارگری و روشنفکری به سرعت رو به فزونی گذارند. بدون آن که شکل نهادی و منطقی پیدا کنند و به ضروریات جامعه تبدیل شوند. **در این دهه، تحولی در قشرها، گروه‌ها و طبقات اجتماعی حاصل شد** و نهضت ملی شدن صنعت نفت از درون این تحول به وجود آمد و بخش خصوصی را تقویت کرد.



• **بانک ها و صنایع خصوصی رشد و توسعه یافته‌ند.** احساس مسئولیت در کار تقویت شد و واحدهای صنعتی نیز به مرور زمان افزایش یافته‌ند. این افزایش، به ویژه در سال‌های دهه ۱۳۴۰ (همزمان با اصلاحات ارضی) چشمگیر بود. در آخر این دهه، تعداد واحدهای صنعتی نسبتاً بزرگ با بیش از ۱۰ کارگر، به حدود ۷ هزار واحد می‌رسید - که حدود ۸۵ درصد ارزش افزوده کل صنایع تولیدی و حدود ۳/۵ میلیون نفر نیروی کار شاغل در صنایع جدید را دربرداشت (عظیمی، ص ۲۷۶)

- اما فکر ایجاد تشكل های صنفی در رژیم گذشته هنوز به شکل «**تابو**» باقی مانده بود. اتحادیه ها و احزاب ساختگی رژیم پایه مردمی نداشتند و در حقیقت کار کرد واقعی پیدا نکردند. رژیم در کار خویش به بن بست رسید و در مقابله و مواجهه با مردم بدون تکیه گاه باقی ماند.

اتحادیه ها و احزاب ساختگی
رژیم

• اکنون که جمهوری اسلامی به جای رژیم شاهنشاهی استقرار یافته و پس از فرو پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی تاریخ جهان تجربه بزرگی را آزمایش کرده و جهان دو قطبی به قطب های در حال زایش تبدیل شده است و تابوی چپ دیگر آن معنای گذشته ر ندارد، شاد تحت نظر نسبت به گذشته چندان دور از واقع بینی نباشد

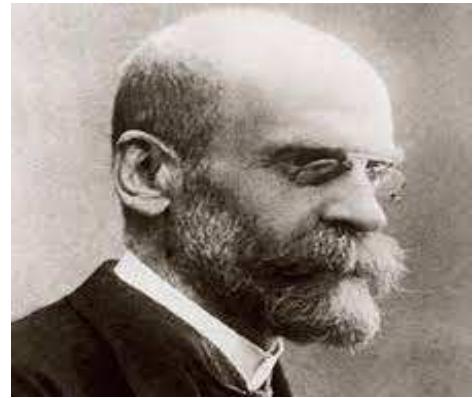


- همان گونه که قبلاً نیز بیان شد، تشكل صنفی در گشته نقش بس مهمی در اداره کشور، کارگاه، حرفه، مدرسه و تعلیم و تعلم داشتند و امور علمی، هنری و اجتماعی بدون فعالیت صنفی نمی توانستند عظمت و بزرگی آن عصر را حفظ کنند. تجمع اصناف در یک محل و حل و فصل مصالی روزمره به شکل چهره به چهره، موقعیتی برای ارائه ارزش‌ها و هنجارها و **هویت فرهنگی** فراهم می‌آورد و همدلی را بیش از پیش استمرار و استحکام می‌بخشید.

بدون فعالیت صنفی

• امروز که میلیون انسان در کارخانه‌ها، مرزعه و مدرسه‌ها به کار اشتغال دارند- بدون تشكیلی در خور اخلاق کاری به سختی می‌تواند جایی پیدا نماید. نظم و وجودان کاری، رقابت کار و فکری میان همکاران و کارکنان را طب می‌کند و روابط صمیمانه در کار را گسترش داده می‌سازد. تشكیل‌های صنفی و رقابت‌های منبعث از آن‌ها می‌تواند **ضابطه را به جای رابطه** در محیط کار بنشاند و اخلاق کاری توام با نظم اجتماعی را تشویق کند. تشكیل صنفی می‌تواند در فرد همدلی و نظم عاطفی ایجاد کند. این تشكیل می‌تواند هویت و حیثیتی برای حرفه‌ها به وجود آورد.

همدلی و نظم عاطفی



• هویتی که نظام پزشکی برای پزشکان، کانون مهندسان برای مهندسان، صنفهای پیشه وری برای باقی مانده این حرفه ها و انجمن ها برای استادان و دبیران و ... به ارمغان می آورند. در سایه این شرایط و نزدیکی جرقه ای است که سعه صدر شکل می گیرد. زبانی مشترک به وجود می آید. کار از جنبه شخصی خارج و روحیه جمعی - به قول دور کیم - حاکم می شود و احساس به گلیم خویش چسبیدن، به سوی نجات ملت و جمع سوق می یابد.



گاندی

• در این تشكل هاست که فرد و جمع به تدریج آموزش می بینند، تربیت می شوند، مشکلات و سختی ها را از سر می گذارند و در بوته آزمای هایش ها ورزیده می شوند. یاد می گیرند که - بنا به گفته گاندی - در هر کس اگر نکته مثبتی وجود داشت بر آن انگشت گذارند و توان بالقوه گذشت و فداکاری را، تا آن جا که ممکن است، در شخص تحریک کنند. نقطه مقابل این سیاست، یعنی برچسب زدن ها، را گروه های سیاسی به افراط انجام داده و انسان های صادق را از خود و از کار اخلاق دور کرده اند.



- کشور ما، هم اکنون از معضلات عدیده ای در رنج است. اخلاق کاری به درستی رعایت نمی شود. نظم لازم در محیط صنعتی و علمی وجود ندارد. و بدینه بی اعتمادی، باری به هر جهت بودن، روحیه دم غنیمتی و نگرش غیر علمی مانعی در برابر تحرکات فرهنگی، اجتماعی، علمی، پژوهشی و صنعتی اند.



ماتسوشیتا

• یادآوری این نکته ضروری است که کشور ژاپن با عوامل فرهنگی توانسته است کارایی اش را افزایش دهد (درداری، ص ۳۲) کارگران ژاپنی باور کرده اند که هدف های شخصی و ملی آنان به هم پیوند خورده اند- در این میان، هدف های مادی و معنوی کارکنان تضمین شده است. (درداری، ص ۷۰۸) در ژاپن، تصمیم های بزرگ در شوراهای کارگری و مدیریت مورد رسیدگی قرار می گیرد. (درداری، ص ۶۴) به نظر ماتسوشیتا یکی از مدیران برجسته ژاپن، اتحادیه کارگری و مدیریت دو چرخ درشکه ای هستند که شرکت را پابرجا نگه می دارند. اگر یک چرخ بیش از دیگر گسترش یابد، درشکه به یک سو خم می شود(ماتسوشیتا، ص ۱۹۲)

نتیجه گیری

• چنین به نظر می رسد که وجود تشكل ها و دادن اهمیت واقعی و در خور بدان ها، امری فرهنگی است که ممکن است در کوتاه مدت نتواند پاسخ گوی مشکلات جامعه باشد اما به مثابه نهادی اجتماعی، در بلند مدت قارداد است بخشی از سنگینی بار را از دولت و جامعه بردارد. اعتماد ملی را - که در **دوران پس از انقلاب صنعتی و نوزایش فکری مغرب زمین** لطمه دیده است. - به مردم باز گرداند. و مشارکت در کار و تصمیم گیری و چاره اندیشی و دمرکراسی را - که مادر خلاقیت هاست - تشویق کند و احساس مسئولیت و اخلاق یا وجودان کاری را با تجمع های صنفی و تماس چهره به چهره کارکنان و ارائه ارزش ها و هنجارها و همدلی نزدیک جایندازد و استمرار بخشد.

CONCLUSION





• وجود تشكل ها موجب می شود که دیدگاه تنگ نظرانه سنتی - که اساس تربیت و آموزش را بر تنبیه و سخت گیری استاد می دانست (فیوضات، ۱۳۷۲) - به تدریج و آگاهانه به سوی نرمش بیشتر تغییر یابد و تشویق و ترغیب در کار به امری فرهنگی مبدل و نکات مثبت افراد برجسته شود و ان ها امکان نمود و رشد پیدا کنند. در چنین شرایطی، تشكل ها پایگاه مناسبی نیز برای نظام سیاسی واقع بین خواهند بود - همان گونه که اتحادیه های کارگری اروپا در جنگ جهانی دوم و در پی هجوم فاشیسم شایستگی خود را به مثابه **نهادی اجتماعی** به ثبت رساند.

منابع و مأخذ:

- اقبال آشتیانی، عباس. تاریخ مغول. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- خلیلی خو، محمد رضا. توسعه و نوپاری ایران در دوره رضاشاه. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد شهید بهشتی، ۱۳۷۳.
- درداری، ن. مدیریت راپنی. [لی‌جا]: [لی‌نا]. ۱۳۷۰.
- سعیدالشیخی، صاحب ابراهیم. اصناف در عهد عباسی. ترجمه هادی عالم زاده. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
- سیوری، راجر. ایران عصر صفویه. ترجمه احمد صبا. تهران: کتاب تهران، ۱۳۶۳.

- صداقت کیش، جمشید. صنایع در توسعه اقتصادی ایران. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
- عظیمی، حسین. مدارهای توسعه نیافرگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی، ۱۳۷۳.
- فیوضات، ابراهیم. توسعه صنعتی و موافع آن در ایران. تهران: چاپخش، ۱۳۷۴.
- فیوضات، ابراهیم. مجله جامعه سالم. تهران (سال پنجم، شماره ۲۵، ۱۳۷۴)
- کربن، هانری. آین جوانمردی. ترجمه احسان نراقی. تهران: نشرنو، ۱۳۶۳.
- ماتسوشیتا، کونوسوکی. نه برای لقمهای نان. ترجمه محمدعلی طوسی. [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۶۹، ج ۴.

Padis, P. C. La Presentation de tieze monde, XVII No.